

موقوفات زنان در دوره صفوی و عثمانی



اکرم ارجح^۱

چکیده

مقاله حاضر که به موقوفات زنان در ایران و آناتولی می‌پردازد، در واقع با سه محور اصلی «وقف»، «زنان» و «تشابهات دوران صفوی و عثمانی» پیوستگی دارد، لیکن هر یک از این سه موضوع در جای خود قابل تأمل و بررسی است.

دوران صفوی و عثمانی به لحاظ اقتصادی و سیاسی شرایط مشابهی را برای ایران و آناتولی رقم زد؛ در این شرایط وقف به سبب وسعت اقتصادی و گرایش‌های مذهبی و گاه به نمایش گذاشتن خیرخواهی‌های سلاطین و آثار اجتماعی موقوفات در اوچ و شکوفایی بود و تا بدان جا گسترش یافت که طبقات متوسط هم به آن رو آوردند. این مسأله حتی زمینه‌ساز شکل‌گیری نهادهای اداری و مشاغل و منصب‌هایی برای اداره این موقوفات شد، به ترتیبی که دو نوع تشکیلات برای اداره املاک وقفی وجود آمد: یکی برای املاک خاصه یعنی موقوفات سلطنتی و دیگری برای سایر موقوفات. این فضا و نیز گزارش‌هایی که از شرایط مطلوب اقتصادی آنان در دست است، زمینه را مهیا ساخت که حضور اقتصادی، اجتماعی و دینی زنان در بدیده وقف خود را نمایان کند. با توجه به این شرایط چگونگی انجام امر وقف در میان زنان در این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. کتب تاریخی، وقفنامه‌ها و کتیبه‌ها منابع دستیابی به این اطلاعات‌اند، گرچه در بسیاری موارد وقفنامه‌ای در دست نیست.

واژگان کلیدی:

موقوفات، زنان، صفوی، عثمانی

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۹/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۲

مقدمه

بررسی اوقاف زنان در هر دوره‌ای ابعاد گوناگونی دارد. از جهتی هرگونه فعالیت زنان، موقعیت و جایگاه آنان را در هر دوره روشن کرده و از سوی دیگر چشم اندازی از وضعیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن دوره ارائه می‌دهد، چرا که حضور هر چه بیشتر زنان در هر اجتماعی میزانی برای سنجش توسعه محسوب می‌شود. رشد چشمگیر اوقاف در ایران عصر صفوی و آناتولی دوره عثمانی از این نظر حائز اهمیت است. در حقیقت با ایجاد فضای سیاسی و اقتصادی مناسب در عصر صفوی، هم طبقه حاکم و هم اقشار پر درآمد به کارهای عام‌المنفعه و اختصاص وقفیه‌های بسیار مبادرت کردند. هر چند این نکته را نباید از نظر دور داشت که به ویژه در حکومت عثمانی، شکل‌گیری برخی موقوفات به سبب حفاظت از ثروت در مقابل مالیات‌ها و مقررات حکومتی بوده است. (شاو، ۱۳۷۰: ۲۸۱-۲۸۰) بدین ترتیب این دوران عصر شکوفایی موقوفات محسوب می‌شود. موقوفات شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها مانند اصفهان، قم، مشهد و اردبیل در رشد و ساختار اجتماعی، آموزشی و دینی تأثیرگذار بوده است. (حیدریان، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۴)

تا پیش از قرن دهم نیز زنان در ایران و آناتولی اوقافی از خود به جای گذاشته بودند؛ موقوفه‌های ترکان خاتون در ۶۶۰ ق. و مجتمع مسجد کبود در تبریز که وقف خاتون جان خاتون معروف به بیگم، همسر جهانشاه قراقویونلو (قرن نهم) بود از این دست است. اموال و دارایی خاتون جان خاتون شامل ۲۳ قطعه زمین در اطراف تبریز، ۷۹ روستا، ده قنات، سی کاروانسرا و بازاری در ری می‌شد (مشکور، ۱۹۷۳: ص ۶۷۱-۶۵۷). از نمونه‌های دیگر می‌توان به مدرسه پریزاد در ضلع غربی حرم امام رضا (ع) جنب مسجد گوهرشاد اشاره کرد که در ۸۲۳ ق. ساخت بنای آن پایان یافت. این موقوفه متعلق به پریزاد خانم، ندیمه گوهرشاد آغا و از نوادگان ربیع بن خیشم معروف به خواجه ربیع است (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۵: ذیل پریزاد، مدرسه).

موقوفات عصر صفوی به موارد مختلفی تعلق داشت؛ یکی از موارد قابل توجه، وقف قرآن به اماکن مقدس بود. قرآن کریم در میان کتب موقوفه، رتبه نخست را داشت. از آن جمله است مصحفی که منوره خانم در ۱۱۵۶ ق. وقف آستان قدس رضوی کرد. (آصف فکرت، ۱۳۶۹: ۱۶۴، نسخه شماره ۴۹۰) اغلب مصحف‌های موجود در کتابخانه‌های ایران و جهان نشان وقف دارند. برای نمونه می‌توان از مصحف ترجمه‌دار شرف جهان خانم در ۱۱۵۷ ق. وقف آستانه حضرت معصومه (س) یاد کرد. (دانش پژوه، ۱۳۵۵: ۶۷) در این میان کتابخانه آستان قدس رضوی با چهل و نه نسخه و کتابخانه حضرت معصومه - علیهاالسلام - با چهار نسخه، بیشترین مصحف ترجمه‌دار را دارند. کهن‌ترین مصحف با ترجمه و برگردان فارسی متعلق به حاجیه فاطمه خانم، دختر میر شرف‌الدین، از فرزندان امیر شمس‌الدین چهارمناری است که در تاریخ ۱۰۵۹ ق. در هند وقف شد. (صدرایی خویی، ۱۳۷۸: ۸)

دیگر موقوفات به انواع بناهای عام‌المنفعه اختصاص داشت؛ برای نمونه گرمابه‌ای در مشهد که زینب بیگم، چهارمین دختر شاه طهماسب صفوی که عمه شاه عباس اول و مقتدرترین زن دربار بود، بنا کرد. این گرمابه در کنار بازار قرار داشت و در سال ۱۳۵۴ هنگام توسعه اطراف حرم تخریب شد. زینب بیگم آثار دیگری نظیر راه‌ها، پل‌ها، کاروانسراها و بیمارستان‌های متعددی از خود به جای گذاشت. (فلسفی، ۱۳۵۳: ۲۰۷) با این حال به گفته شاردن (۱۳۵۳: ۴۵) زنان عصر صفوی نخست، کاروانسرای را جهت سکونت رایگان وقف در راه ماندگان می‌کردند و سپس گرمابه، قهوه‌خانه، بازار و باغی بنا کرده و اجاره می‌دادند و پس از احداث مدرسه، اجاره بهای آن‌ها را وقف مدرسه می‌کردند. فیگوئروا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس، زنان را در کارهای عام‌المنفعه بهتر از مردان توصیف کرده است. (۱۳۶۳: ۱۲۸-۱۲۷) کاروانسرای بین راه سگزآباد به ساوه که متعلقاتی هم داشته از موقوفات زینب بیگم، ملکه شاه عباس کبیر از این دست است. (شاردن، ۱۳۵۰: ۵۰؛ حجازی، ۱۳۸۱: ۳۱۳) گرایش به اوقاف و امور خیریه در این دوره به اندازه‌ای بود که گاه حتی با وقف یک مورد جزئی مانند ساخت یک سنگاب انجام می‌شد. سنگابی که در صحن امامزاده

اسماعیل در اصفهان قرار دارد، متعلق به بانویی به نام شامیر در تاریخ ۱۰۴۹ ق. است. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۱۰۴۹)

در عصر صفوی پس از بناهای عام‌المنفعه، گرایش علمی و دینی زنان در وقف مدارس برجسته است. دلارام خانم مادر بزرگ یا جده شاه عباس دوم، مدرسه جده بزرگ و جده کوچک را واقع در بازار اصلی اصفهان بنا کرد و موقوفاتی برای آن‌ها قرار داد. (همان، ۵۵۳؛ سپینتا، ۱۳۴۶: ۳۴۷-۳۴۶) جالب اینکه اغلب واقفان به تأسیس کتابخانه برای مدارس توجه داشته‌اند و این بانوی خیر نیز فهرستی از کتب وقفی را در پشت وقفنامه خود ذکر کرده است. (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۵) مریم بیگم، دختر شاه صفی و خواهر شاه عباس دوم و از آخرین بانوان قدرتمند عصر صفوی، مدرسه مریم بیگم را در اصفهان احداث و موقوفه‌هایی برای آن تعیین کرد. در وقفنامه آن آمده است که طلاب مدرسه باید همواره به تحصیل علوم دینی، مباحثه، مطالعه و عبادت مشغول باشند. (سپینتا، ۱۳۴۶: ۲۹۹) این مدرسه از بین رفته است. همچنین او مدرسه‌ای با همین نام در خوانسار وقف کرد که اکنون پابرجاست. (تسبیحی، ۱۳۴۹: ۵۳۸-۵۳۱؛ ملازاده و محمدی، ۱۳۸۱: ۵۹) از موقوفه‌های دیگر، مدرسه نیم‌آورد در اصفهان است که در ۱۱۱۳ ق، خانم زینب بیگم، همسر محمد مهدی حکیم‌الملک اردستانی آن را وقف کرد. (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۲-۳۱)

به قدرت رسیدن حکومت صفوی و استقرار یک حکومت شیعی نه تنها در قدرت یافتن زنان مؤثر بود، بلکه در نوع گرایش‌های آن‌ها اثر داشت. موقوفه‌هایی که به بناهای مقدس و زیارتی تعلق می‌گرفت از این نظر برجسته می‌نماید. بخشی از این اوقاف به عتبات عالیات تعلق داشت؛ مانند املاک و مستقالات گوهرشاد بیگم به تاریخ ۱۰۷۱ ق. که مخصوص زائران و مجاوران حضرت علی و امام حسین - علیهماالسلام - بود. موقوفات خانم بیگم، دختر شاه اسماعیل صفوی، که املاکی در خارج یزد را به زوار امام حسین (ع) اختصاص داده بود. موقوفات زینب بیگم به بقعه حضرت عبدالعظیم در تاریخ ۹۹۷ ق. و تجدید بنای شاهزاده حسین در قزوین در تاریخ ۱۹۴۰ ق. نیز قابل اشاره است. (مهریزی ۱۳۸۹، ۳۸، هدایتی، ۱۳۴۴: ۹۶-۹۳)

مجتمع‌های آرامگاهی بخش قابل توجهی از موقوفات را جذب می‌کردند و مهم‌ترین آن‌ها مجتمع زیارتگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی است. گرایش‌های صوفیانه حاکمان ایلخانی زمینه این گونه موقوفات را فراهم آورد، به طوری که غازان خان و خانواده او به حمایت از خانقاه‌های صوفیان گرایش داشتند. حمایت او از طریقت شیخ صفی، اوقاف زنان آن دوره برای آرامگاه شیخ صفی را تشدید کرد. می‌توان به موقوفات ملک خاتون دختر بزرگ گیخاتو، تمامه خاتون، کتابون خاتون و دیگران اشاره کرد. پیگیری این رشته موقوفات در دوره صفویه آشکارتر است. بنفشه خاتون از همسران سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل، با وقف چند روستا از توابع تبریز در ردیف واقفان این عصر قرار دارد. فخر جهان خاتون، خواهر شاه اسماعیل نیز یکی از زنان سرشناس صفوی است که یک قطعه از مراتع را وقف کرد. همسران و دختران صفوی سهم قابل ملاحظه‌ای از املاک و زمین‌های آذربایجان را در اختیار داشتند و بدین ترتیب بخشی از آن‌ها را به آرامگاه فروختند یا وقف کردند. حتی زنانی از آناتولی اوقافی برای آرامگاه شیخ صفی داشتند؛ مانند بنگی سلطان قلیچوقری، دختر حمزه آقا بن مراد آقا روملو، دختران افراد صاحب نام و عرفا همانند خاتون خان زاهدیه بیگم، دختر شیخ عارف یوسف شاه بن شیخ کامل که روستاهایی را وقف بقعه شیخ صفی کردند. در مجموع زنان سی درصد از سهم فروش حمام‌های عمومی، بیست درصد از کاروانسراهای کوچک اردبیل، ده درصد از مغازه‌ها، بیست و پنج درصد از خانه‌ها، پنجاه درصد از سهم روستاهای اطراف اردبیل و پانزده درصد از آسیاب‌های بادی را وقف بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی کردند. به نظر می‌رسد اغلب این زنان مایل بودند افزون بر انجام کارهای خیر برتری اقتصادی خود را در این بقعه نشان دهند. (زرین باف شهر، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۹۱)

به موازات عصر صفوی، اوقاف در آناتولی رشد چشمگیری داشت و با وجود شباهت‌هایی که از این نظر میان عصر صفوی و عثمانی قابل مشاهده است باید گفت که اوقاف آناتولی بیش از همه تحت تأثیر آداب و سنی بود که در مصر رواج داشت. فتح مصر از جانب سلاطین عثمانی به مفهوم فتح حرمین شریفین بود و سنت وقف که در میان مردم آناتولی و حتی

مسلمانان بالکان اهمیت زیادی داشت، از آن پس بیشتر به حریمین شریفین اختصاص یافت. بیشترین اوقاف زنان مربوط به والده سلاطین یعنی مادران سلطان‌هایی بود که به حکومت رسیده بودند و اغلب خدمات خیر و اوقاف آن‌ها به گزارش وقفنامه‌ها برای سرزمین مقدس مکه و مدینه و اهالی آنجا بوده است. گفتنی است آنان این سنت نیک را از مصریان فرا گرفته بودند. چنان که این کار در میان مردان و زنان آنجا رواج داشت. برای مثال در سال ۷۲۱ ق. همسر سلطان قلاوون به نام طغی، در طی مسیر حج به فقرا احسان کرد و در روز عید به همه نان شیرین، یخ، لباس و سی هزار دینار انعام داد. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۸۴-۷۸۲)

در پایتخت عثمانی یعنی استانبول، وقف برای فقرای حریمین بیشتر بود، به طوری که مادر سلطان سلیم اول مقرر کرده بود هر سال میان فقرای مدینه هزار اشرفی طلا توزیع شود که این مبلغ از درآمد حمام سلطان بایزید دوم تأمین می‌شد. همسر مراد سوم، سلطان صفیه املاک خود را در مصر برای صد و بیست حافظ قرآن در مکه و مدینه و قدس و خادمان آبداری مسجد و چاه‌های آب مکه وقف کرد. گلنوش امان الله سلطان، همسر سلطان محمد چهارم در مسیر حج سبیل‌ها (سقاخانه‌ها) و چشمه‌های (آب انبارها) زیادی احداث کرد. در اوایل قرن نوزدهم میلادی در استانبول هفتاد و یک مکتبخانه از جانب زنان تأسیس شده بود. (همان، ۷۸۴)

خرم سلطان (درگذشت ۹۶۵ ق.)، همسر سلطان سلیمان قانونی، موقوفات بسیاری بر مکه و مدینه مقرر کرد. وقفنامه او در کتابخانه دارالکتب المصریه در قاهره نگهداری می‌شود. بر اساس آن چهارده آبادی وقف مکه و مدینه شد. افزون بر آن کاروانسراهایی فقط وقف مکه و موقوفاتی هم جهت مدینه اختصاص یافت. او علاوه بر این‌ها دو کشتی با تمام وسایل در کانال سوئز وقف کرد تا محصول موقوفات مصر را به بندرهای جده و یمن حمل کنند و از آن‌ها برای حمل نیازمندی‌های مکه و مدینه استفاده شود. (مه‌ریزی ۱۳۹۰: ۱۹۹-۱۹۷)

ماه پیکر، والده سلطان و همسر سلطان احمد اول از جمله زنان بانفوذ حکومت عثمانی بود که کارهای خیر انجام می‌داد و موقوفات زیادی داشت که می‌توان به کاروانسرای خان والده یا بیوک والده در استانبول که محل اسکان ایرانیان بود، اشاره کرد. وی مسجد و مدرسه والده در

استانبول و مجموعه چینیلی را در اسکودار استانبول شامل مسجد، حمام، مدرسه، بیمارستان احداث کرد و پل هفت چشمه را بر نهر بادرا در مسیر حج ساخت. از دیگر خیرات او تهیه آب در مسیر حج و کمک به نیازمندان راه مکه و مدینه بود. وقفنامه او که در کتابخانه ملت استانبول نگهداری می‌شود، جزئیات بسیاری راجع به این موقوفه‌ها دارد؛ نظیر سفارش در باب اهدای سالانه صد پیراهن و صد عبا به فقرای مکه و مدینه. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۹۱-۷۸۷)

نظام وقف در دوره عثمانی با گسترش مجموعه‌های اقتصادی و فرهنگی به توسعه شهری استانبول پایتخت عثمانیان نیز کمک کرد که موقوفه‌های زنان در این زمینه تعداد قابل توجهی دارد. (اینجلق ۱۳۸۸: ۲۴۲-۲۳۸)

بخشی از موقوفات زنان ترک اختصاص به احداث بیمارستان‌ها داشت که در دوره سلجوقیان نیز انجام می‌شد. شفاعیه گوهر نصیبه در قیصریه (قرن ششم) و بیمارستان قتلق ترکان خاتون در کرمان (قرن ششم) از این گروه است. از بیمارستان‌های موقوفه زنان در عصر عثمانی می‌توان به دارالشفای حسکی خاتون (قرن دهم)، دارالشفای مانیسا (قرن دهم) و بیمارخانه والده عتیق در اسکودار (قرن دهم) اشاره کرد. بیمارستان پرتو نیال (قرن دوازدهم) در مدینه منوره از موقوفات پرتو نیال سلطان اقبال، همسر اول سلطان محمود دوم، متعلق به زنان فقیر بود و اتاق‌های مربوط به آقایان شامل پزشکان، مدیران و آقایان حرم برای رعایت موازین اسلامی بیرون از بیمارستان قرار داشت. (همان، ۷۹۴)

با اینکه در این مقاله به موقوفات زنان ایران و آناتولی پرداخته شد، لیکن نباید از نظر دور داشت که مشابهت‌هایی بین موقوفه‌های زنان جهان اسلام قابل مشاهده است؛ مانند موقوفه مصونه فاطمه مشهور به ستیته، دختر تاج‌الدین که درآمد بناهایی در مصر را برای فقرای حرمین اختصاص داد. لیکن از بررسی کلی این موقوفات به کثرت اوقاف زنان ایران پی می‌بریم و بدیهی است که به سبب سکونت این زنان در شهرهای بزرگ اغلب موقوفات در همین شهرها است. در مجموع وقف قرآن در ایران نزدیک به نیمی از موقوفه‌ها را در برمی‌گیرد. پس از آن وقف بر حرمین شریفین و آستانه امامان و امامزادگان مهم‌ترین دغدغه زنان ایران برای اوقاف بوده است.

سایر موقوفه‌ها به ایتم، مدارس، مساجد، مدارس علمیه و امور مذهبی اختصاص داشت. با وجود حضور چشمگیر زنان در کارهای خیر و وقف به سبب در اختیار داشتن منابع محدود مالی، این کار معمولاً در حدود بیست درصد کل اوقاف را در برمی‌گرفت. با این حال از میان پنجاه و نه وقفنامه موجود در اداره اوقاف اصفهان، هفده مورد آن - حدود یک سوم - متعلق به زنان است و این تعداد می‌تواند نشانی دیگر از حضور، قدرت و گرایش به خیرخواهی در محدوده زمانی باشد که زنان امکانات بیشتری در اختیار داشتند. (مهریزی، ۱۳۸۹، ۴۴-۴۰) موقوفات زنان پس از دوره صفوی نیز با همان رویکرد تداوم داشت، لیکن در زمینه مراسم و آداب توجه بیشتری صرف می‌شد. چنانکه برگزاری مراسم سوگواری برای امام حسین (ع) بسیار مشهود بود و بررسی آن ضرورت پژوهش در وقفنامه‌های عصر قاجار و پس از آن را می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

درباره موقوفات زنان به طور یقین مطالبی وجود دارد که هنوز در دسترس قرار نگرفته است و در این مقاله به آن‌ها اشاره نشده است، لیکن با وجود موارد فوق نیز می‌توان به نتیجه‌گیری‌های کلی دست یافت. نخست همان فزونی موقوفات است که روشن است در دوره پس از آن هم در ایران و هم در آناتولی به این اندازه نبوده است.

مشخصات موقوفه‌های زنان در آناتولی بیشتر نشان از آن دارد که بیش از همه والده سلطان‌ها، یعنی مادران شاهان از قدرت و تمکن کافی جهت وقف کردن برخوردار بودند و با اینکه وقف مساجد و مدارس نیز مورد نظر آن‌ها بوده، لیکن بیش از همه انجام امور عام‌المنفعه و بیشتر از آن به موقوفات مربوط به حرمین مکه و مدینه توجه می‌کردند که متأثر از موقوفه‌های دوره ممالیک در مصر است.

موقوفات زنان ایران را می‌توان به سه دسته فرهنگی، مذهبی و عام‌المنفعه تقسیم کرد؛ موقوفات فرهنگی مانند تأسیس مدرسه و وقف قرآن، موقوفات مذهبی مانند ساخت تکیه و مدرسه و نیز موقوفات مربوط به آرامگاه‌ها در ایران و عتبات و مصارف عام‌المنفعه و روزمره

مانند ساخت کاروانسرا و موقوفات برای ایتمام و فقرا. با اطلاعاتی که در دست است، می توان گفت که در دوره قاجار نیز اوقاف زنان بیشتر به انجام مراسم مذهبی و برگزاری سوگواری اختصاص داشته است.

نکته در خور توجه دیگر در باره وقف زنان در ایران اهتمام گروه بزرگتری از زنان به امر وقف است و این اقدام ویژه ملکه‌ها و شاهزادگان نبود و شامل سایر طبقات اجتماعی نیز می شد. در مجموع حضور زنان در این حوزه با داشتن منابع محدود مالی و اعتباری، به اندازه یک چهارم کل موقوفات امر قابل توجهی است که می‌تواند به لحاظ مطالعات زنان و پژوهش‌های حوزه تمدن اسلامی و شناخت تاریخ وقف مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مآخذ

- فکرت، محمد آصف (۱۳۶۹)، فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- احمدی، زهت، «نقش زنان در ایجاد بناهای مذهبی در پایتخت صفویان»، بانوان شیعه، پاییز ۱۳۸۳، ش ۱.
- استانفورد جی شاو (۱۳۷۰)، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، مترجم: محمود دهقان زاده، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ینجالق، خلیل (۱۳۸۸)، امپراتوری عصر متقدم، ترجمه: کیومرث قرقلو، تهران: انتشارات بصیرت.
- تسییحی، محمدحسین، «مدرسه مریم بیگم صفوی»، وحید، سال هفتم، ش ۵، اردیبهشت ۱۳۴۹.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۱)، ضعیفه: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی، تهران: قصیده سرا.
- حیدریان، زهرا، «زنان واقف در عصر صفوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۶۶، تابستان ۱۳۸۸.
- دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۵۵)، کتابخانه آستانه قم، قم.
- دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- سرا دوغان، «وقف‌های عثمانی و وقفیه والده سلطان ماه پیکر»، پیام بهارستان، دفتر دوم، سال چهارم، ش ۱۳، پاییز ۱۳۹۰.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲)، آثار ملی اصفهان، تهران: انجمن آثار ملی.
- زرین باف شهر، فریبا، «فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل»، مترجم: محمد مروار، نامه تاریخ‌پژوهان، ش ۳، ۱۳۸۴.
- سپنتا، عبدالحسین (۱۳۴۶)، تاریخچه اوقاف اصفهان، اصفهان [بی جا].
- شاردن، ژان (۱۳۵۳)، سیاحت‌نامه، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- صدراپی خویی، علی، «سهم زنان در وقف نسخه‌های خطی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم»، وقف میراث جاویدان، ش ۶۴، ۱۳۷۸.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳)، زندگانی شاه عباس اول، تهران: دانشگاه تهران.
- فیگوئرا، دن کارسیادسلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه: غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- مشکور، محمد جواد (۱۹۷۳)، تاریخ تبریز در پایان قرن نهم هجری، تهران: [بی جا].
- ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۸۱)، مدارس و بناهای مذهبی، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

مهریزی، مهدی، «درآمدی بر موقوفات زنان»، وقف میراث جاویدان، ش ۶۹، بهار ۱۳۸۹.
----- موقوفات خرم سلطان، همسر سلطان قانون، در مکه و مدینه، وقف میراث جاویدان، ش ۷۳،
بهار ۱۳۹۰.
هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۴)، آستانه ری: مجموعه اسناد و فرامین، تهران: شرکت سهامی افست.

